

در جمع از آب گذشته‌ها

محمد ناصرزاده

«پاسخ مثبت» گروه دانش‌آموختگان برق و کامپیوتر سمپاد» به درخواست مصاحبه ما بسیار لذت‌بخش بود. اینان سالهاست بی‌سروصدا عهده‌دار کارهای بزرگ و شایسته‌ای هستند که ثمرات آن حلاوت را به مذاق مردم عزیزمان بارها چشانده است. اگر دوران جنگ بود، بسیجیان بی‌مانندی می‌شدند. حضور «رضا صدیق» فارغ‌التحصیل دوره اول و الگوی نظم آهنگین و کارهایی که همیشه به پایان می‌رساند و مطالب بسیار مفیدی که می‌دانستم خواهد گفت - و گفت - به همراه جوانی از دوره‌های بعد - یعنی مهدی فولادگر - طراوت دیگری به مصاحبه داد با توجه به مصاحبه‌ای که در سالهای قبل با او داشتیم از گروه خواستیم فرد دیگری را معرفی کنند ولی نظم معروف «رضا صدیق‌ای» بود و قرار شد نماینده دوم گروه حرفهای خوب گروه را هم بزند و این «مهدی» نه همان مهدی نوجوانی باشد که در هیاهوی المپیاد لب به سخن باز کرده بود.»

آقای «مهندس صدیق» قبل از هر سوالی چرا «رشته برق»؟ فقط محض شاگرد اولی و سطح

درس بالا یا علاقه‌ای هم بود؟

صدیق: بنام خدا، اولاً تا «دکتر علی رجائی» هست، عنوان شاگرد اولی برازنده اوست! ولی ماجرای علاقمندی، به برق جالب است. در سال اول راهنمایی آقای «فریپور» معلم فیزیک ما بودند و همگی فکر می‌کردیم برای فیزیک ساخته شده‌ایم. در سال دوم راهنمایی مواجه با تدریس ریاضی بسیار جذاب یکی دیگر از فارغ‌التحصیلان بودیم که سال ریاضی همگی بود! و

خدای را شکر می‌کردیم که راه درست را یافته‌ایم و دردام فیزیک نیفتاده‌ایم! در دبیرستان با کامپیوتر آشنا شدیم، گرایش بدان سو تا سالهای آخر دبیرستان ادامه یافت که علاقه و شناخت خاصی نسبت به رشته برق پیدا کردیم و الآن که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم انتخاب کاملی داشتیم. ۸ برق نسبت به کامپیوتر و کامپیوتر نسبت به ریاضی.

فولادگر: آقای صدیق، کامپیوتر را درست نشناختید، وگرنه حتماً می‌رفتید!!

صدیق: قصد جسارت نبود، همه رشته‌ها خوب هستند.

فولادگر: ولی من به اجبار رفتم! هرچند به ریاضیات خیلی علاقمند بودم ولی امان از المپیاد! مارا حسابی کامپیوتری کرد. الآن کاملاً به رشته‌ام علاقمندم و به یک حقیقت روشن هم رسیده‌ام.

می‌توانی حقیقت را برای خوانندگان خوب ما هم بگوئی؟

فولادگر: بله، آنچه در المپیاد کامپیوتر به ما گفتند ربطی به مهندسی کامپیوتر نداشت و احتمالاً در سایر المپیادها نیز چنین است و نکته مهم دیگر اینکه هیچکس را ندیدم در رشته تحصیلی‌اش موفق باشد و از ادامه آن رشته پشیمان شده باشد.

البته این دو تا حقیقت شد ولی هر دو جای تأمل برای بچه‌های سمپاد دارد. مخصوصاً تلقی آنها از «کامپیوتر»، «شیمی» و «فیزیک» در دوره دبیرستان و المپیاد با آنچه در این علوم می‌گذرد بسیار متفاوت است. کاش می‌شد سؤال و جواب بالا را چندبار پشت سرهم چاپ می‌کردیم تا همگان خوب متوجه آن شوند، بگذریم. همیشه برای من این سوال پیش آمده که چرا باید همه بچه‌های خوب به «برق» و «کامپیوتر» علاقمند شوند، مگر مقرر گردیده یا قانون است؟ نظر شما چیست؟

صدیق: در حقیقت بی‌خود همه به برق و کامپیوتر علاقمندند! سیاست انتخاب رشته تحصیلی هنوز یادگار دوران استعمار است. مگر چقدر صنایع برق و کامپیوتر و سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها است که هر ساله بهترین استعدادهایمان داخل این رشته‌ها می‌شوند؟ نتیجه اینکه با انبوه بچه‌ها پس از فارغ‌التحصیلان مواجه می‌شویم که کار زیاد واقعی ندارند و جذب کارهای حاشیه‌ای می‌شوند. از طرفی مگر ما در سایر زمینه‌ها، امکان پرورش استعداد را نداریم و یا این رشته‌ها کاستی و افت نسبت به برق دارند که از نظر دانش‌آموزان خوب سمپاد پنهان مانده است؟ بچه‌های ما باید بدانند، وقتی، استعدادهایمان در زمینه‌های مختلف توزیع نشود خلاصه نیروی مستعد در بعضی زمینه‌ها محسوس می‌شود. نتیجه‌اش، آنورآبی‌ها از هر دو طرف

بهره می‌برند و نیروهای خوب را جذب می‌کنند و هم اینکه خلاء سایر رشته‌ها را با حضور منحوس خود پر می‌کنند. پس همه چیز، همه رشته‌های خوب تحصیلی، همه آینده خوب و ممتاز و همه موفقیتها و پیشرفت‌ها در رفتن به برق و کامپیوتر خلاصه نمی‌شود. این را صادقانه بچه‌ها از من قبول کنند.

فولادگر: بچه‌های دانشکده برق و کامپیوتر را انباشتی از دانشجویان خیلی خوب و خوب می‌دانند و این خود عاملی برای انتخاب این دو رشته است ولی پس از یکی دو سال دانشجویی، اگر دقیق بررسی کنیم کاملاً روشن می‌گردد دانشجویان ممتاز و قدر فلان رشته مهندسی، خیلی از متوسط دانشجویان برق بالاتر هستند در حالیکه حتی در کنکور ورودی متوسط برقی‌ها بالاتر از آنها بوده‌اند. عواملی مثل محیط دانشگاهی، پویایی دانشجویی و اعتماد به نفس باعث رشد بچه‌ها در رشته‌های دیگر می‌شود. لذا انرژی زیاد گذاشتن برای ورود به برق و کامپیوتر در سالهای آخر دبیرستان و بعد تبدیل به یک دانشجوی متوسط شدن - باز دست دادن موقعیت یک دانشجوی ممتاز در رشته‌های دیگر - بدترین فاجعه‌ای است که هیاهوی رشته‌های برق برای بچه‌های سمپاد به بار می‌آورد.

دهها مثال می‌توانم برای این تذکر شما بیاورم. خیلی متشکرم که با شجاعت کافی این مهم را به بچه‌های خوب ما تذکر دادید. تدریس کامپیوتر در دوره راهنمایی بصورت ساماندهی شده و منظم بانام شما آقای «صدیق» گره خورده است. شاید برای خوانندگان خوب، جالب باشد بدانند شما از دوران دانش آموزی خود در کلاسهای متعددی تدریس کامپیوتر داشتید و طرح تدریس مرکز «علامه حلی» از زحمات شما در این سالها است. سوال اساسی من اینست، آموزش کامپیوتر از کی و کجا؟ راهنمایی یا دبیرستان؟ برنامه نویسی یا چیز دیگر؟ خود آموز مقدور است یا فقط با دبیر و تشکیلات نتیجه می‌دهد؟

صدیق: تردیدی نیست، در سمپاد، آموزش کامپیوتر از دوره راهنمایی باید آغاز شود. اگر مدارس برنامه دارند چه بهتر، اگر نه خود بچه‌ها دست بالا بزنند. کامپیوتر، ریاضیات نیست که بگوئیم یک کتاب بردارید و بخوانید و یا شیوه آموزش قبل از دانشگاهیش تدوین شده باشد. فولادگر: آیا به نظر شما شیوه آموزش دانشگاهیش تدوین شده است!؟

صدیق: بگذریم. با کمبود امکانات کار شما بچه‌های خوب و خونگرم سمپاد کمی سخت می‌شود اما مطلقاً به این معنی نیست که نمی‌توان کاری کرد. کما اینکه کار آموزش کامپیوتر در مرکز علامه حلی تهران بدون کامپیوتر آغاز شد!! یک تجربه خوب و علمی آنکه در مرکز، این

وسيله نبود ولی من به اتفاق یکی از دوستان - آقای مهندس سرکاراتی - برنامه می‌نوشتیم بعد از آنکه بصورت دستی چندبار درستی آنرا آزمایش می‌کردیم یعنی با خودمان آنرا اجرا می‌کردیم! به یکی از شرکتهای آشنا مراجعه و آنرا دوباره با کامپیوتر تست می‌کردیم، می‌بینید! راه اصلاً بسته نیست. امروز با یک ۲۸۶ ساده هم می‌توان کارهای بسیاری انجام داد. بچه‌ها وقتشان را با دستگاه صرف جنگولک بازی نکنند، کار شده است فقط الگوریتم سازی، الگوریتم سازی و الگوریتم سازی!

یک تفکر غلط در برخی مدیران ما در دوره راهنمایی به چشم می‌خورد که باید تصحیح شود. مثالی می‌زنم، قلم را در نظر بگیرید، بچه از موقع به راه افتادن قلم را می‌بیند، چه استفاده‌ای می‌کند؟ روی کاغذ و دیوار را خط خطی می‌کند! اما ما بدین دلیل تمام قلمها را از جلوی بچه‌ها جمع نمی‌کنیم و نمی‌گوئیم تا مدرسه نرفتی حق نداری دست به قلم بزنی؟! خوب این خیلی بد است. این ماجرائی است که مورد کامپیوتر هم پیش می‌آید موقعیکه وارد دانشگاه می‌شوند تازه می‌شنوند این رایانه است! در حالیکه با «هست بودن» کامپیوتر در مدارس، این مطلب مرتفع می‌گردد.

فولادگر: الآن وضعیت کامپیوتر در جامعه ما مثل مداد است، ولی فرهنگ رشد نیافته کامپیوتر باعث شده مداد فراوان به بچه‌ها داده شده ولی کاغذ در دسترس نیست! خلاصه همه به دیوار کشی و مداد خوری! و مداد شکنی افتاده‌اند و آشنائی کاذب بوجود آمده که مهمترین جلوه آن game است! در مورد اصل سوال، نرسید راهنمایی یا دبیرستان باید پرسید دبستان یا راهنمایی. تاخیر در آموزش باعث عقب افتادگی است. یعنی کسانی سراغ کامپیوتر می‌آیند که اولاً در رشته‌های مهندسی هستند - آشنائی سایر رشته‌ها با کامپیوتر فوق‌العاده کم است - و بعد هم عمده آشنائی در دانشگاه پیش می‌آید - که انصافاً خیلی دیر است - و جبران سخت‌تر می‌شود. خوب باید بهتر بسنجیم، به بچه‌های راهنمایی خیلی خیلی توصیه می‌کنم فرصت را غنیمت دانسته علیرغم نبود سیاستهای آموزشی خاص که بهرحال ضربه زنده و باعث کندی است به خودآموزی کامپیوتر بپردازند. می‌دانید همه‌اش همین جمله است کسی منتظر آموزش نباشد، زنده باد خودآموزی!

خوب، به نظر من مناسب است اینک در مورد یکی از مجله‌های مبارک و حرکت‌های خیلی ارزشمند فارغ‌التحصیلان سمپاد در یعنی «گروه دانش‌آموختگان برق و کامپیوتر سمپاد» صحبت کنیم.

صدیق: از تاریخچه شروع کنیم یا اهداف؟

قاطی باشد بهتر است!

صدیق: بسیار خوب، همه قصه از اینجا شروع می‌شود که ما بچه‌های سمپاد بین سبک درس خواندنمان در دبیرستان و دانشگاه گسستگی خاصی را حس می‌کنیم. شما بچه‌های دانش‌آموز عجله نکنید، زود می‌آئید دانشگاه اینرامی‌فهمید. در جریان یک نمایشگاه «دانشگاهی - دانش‌آموزی» که بچه‌های دانش‌آموز سمپاد در آن غرفه داشتند و حضور بسیار موثر و فعالی از خود نشان دادند یکی از مسئولین دانشگاهی با غبطه به آنها می‌گفت شما بچه‌ها از یک دانشگاه کوچک به یک مدرسه بزرگ خواهید رفت!

همین‌جا باید قدردانی از مسئولین سمپاد داشته باشم که با همت خود چنین مجموعه‌ای را گرد آورده‌اند، خلاصه دغدغه خاطر این مسئله کار دست همگیان می‌داد. فارغ‌التحصیلان سمپاد خصایص جالبی دارند، عده‌ای حوصله می‌کنند تا به استادی برسند و بعد شروع کنند مثل آنچه «مهدی عسگری» در مصاحبه‌اش گفته بود، عده‌ای هم خوره کار دارند و صبرشان زود لبریز می‌شود، تشکیل گروه در واقع مفتری بود برای این سرریز و حل مشکل تا آقایان به بالا بالاها برسند و خودشان را به قافله برسانند. لااقل تا آن موقع هم مشکل بچه‌ها تخفیف یابد، هم دست رفقای جوانترمان را بتوانیم بگیریم.

فولادگر: گسستگی راست است. مهمترین عاملش هم دانشگاه نبودن برخی دانشگاههاست، که به تمام جنبه‌های دانشگاه بودن نمی‌پردازند و آموزش تنها جنبه آنها شده است. هر چند این جنبه مهمترین بخش فعالیت دانشگاه می‌باشد ولی بدون جنبه‌های دیگر دانشگاهی این جنبه هم هویت درستی ندارد. این جنبه‌ها تحقیقات و پژوهشهای دانشجویی هستند.

صدیق: امام علی (ع) علم را به دو قسمت تقسیم فرموده‌اند: «علم مطبوع» و «علم مسموع» و می‌فرمایند «علم مسموع» مفید واقع نمی‌شود مگر اینکه «مطبوع» واقع شود. این حدیث در آداب تربیت مورد اشاره استاد شهید مطهری هم بوده است. علم باید به سرشت آدمی دریاید، همه ما تجربه علمی را که از خودمان بجوشد و جزو سرشتمان شده باشد را در برخی دروس دبیرستانی و مطالب علمی ساده داشته‌ایم. لذا آن چیزی نافع می‌شود که درونی شود. سعی مان اینست که درسهای دانشگاهی که به ذات خوب و قشنگ هستند و شاید در سبک خواندن آن مشکل وجود داشته باشد به جای مسموع شدن تبدیل به مطبوع بگردد. با افتتاح «پژوهشگاه شهید بهشتی سمپاد»، این صحبت‌های دوستانه به نوعی محلی برای جلوه کردن پیدا

نمود. جانی تأسیس گردید که تعلق به دانشگاهی خاص نداشت و بچه‌ها می‌توانستند آزادانه در آن به ایده‌آل‌های خود نظری داشته باشند، با گوشه چشمی به موفقیت بچه‌های «عصب‌شناسی» که پیشقدم در کارهای تحقیقات دانشجویی سمپاد بودند در خرداد ماه ۷۶ گروه کار خود را آغاز نمود. وظیفه می‌بینم از برخی تشکیل‌دهندگان گروه که جایشان در این مصاحبه خالی است، دو دانشجوی خیلی خوب مقطع دکترای برق و کامپیوتر آقایان «ساجدی» و «رزازی» و دیگر برادر ارجمندمان آقای «جوانمردی» و «گنجعلی» هم اینجا یاد کنیم که ادامه این حرکت با بودن این نیروهای قوی و کیفی جلوه یافته است.

گروه چه فعالیت‌هایی را انجام داده، انجام می‌دهد، انجام خواهد داد؟

صدیق: شروع فعالیت گروه با برگزاری سمینارهای دو هفته‌گی در محل پژوهشگاه شهید بهشتی بود این سمینارها با استقبال خوب و دور از انتظار دوستان مواجه شد و تاکنون ادامه داشته است. از مهرماه جاری دو زیرگروه زیر نظر هسته اصلی گروه شروع به فعالیت نمود؛ زیرگروه «مجله» و زیرگروه «بنیان»، زیرگروه مجله وظیفه انتشار ضمیمه برق و کامپیوتر مجله استعداد‌های درخشان را برعهده دارد. هدف هم این است که دوستانی که به هر دلیلی مثلاً شهرستانی بودن، شاغل بودن یا ... توانایی حضور در جلسات سمینارها را ندارند بتوانند از این طریق فعالیت کنند. زیرگروه «بنیان» هم که مسئولیت آن برعهده آقای فولادگر است و چون خودشان حضور دارند توضیح می‌دهند.

فولادگر: این زیرگروه با هدف برقراری هر چه بیشتر ارتباط دانشجویان سال اولی با گروه ایجاد گردید به هر حال آنها هنوز با برنامه‌های دانشگاهی آشنایی نداشته و نیازمند برنامه‌های خاصی می‌باشند. از برنامه‌هایی که زیرگروه «بنیان» برگزار می‌کند مجموعه سخنرانی‌های کوچک است ویژگی این مجموعه سخنرانی‌ها آن است که باید نیازمند هیچ‌گونه پیش‌نیاز دانشگاهی نباشد. به این ترتیب خیلی اوقات درصد خوبی از این سخنرانی‌ها حتی برای دبیرستانی‌ها هم قابل استفاده می‌باشد. نکته جالب برای خود ما این بود که استقبالی که از مجموعه سخنرانی‌های کوچک به عمل آمد بسیار قابل توجه بوده و حتی دانشجویان سال‌های بالاتر نیز برای شنیدن آنها می‌آیند. سخنرانی‌های کوچک شاید محیط مناسبی برای سخنرانی دوستان جوان تر باشد تا بعد با اتکاء به آن بتوانند در مجموعه سخنرانی‌های اصلی گروه نیز پیشنهاد سخنرانی بدهند. فعالیت دیگری که هرچند از ناحیه زیرگروه بنیان نبوده است اما در

راستای اهداف تعریف شده آن بوده برگزاری «همایش ۷۷» می‌باشد این برنامه یک اردوی ۷۵/۰ روزه بود که برای دانشجویان برق و کامپیوتر ورودی ۷۷ دانشگاه‌های تهران در محل پژوهشگاه شهید بهشتی در مهرماه امسال برگزار شد.

و فعالیت‌های آتی؟!

صدیق: البته پیشنهادهایی هست که تا قطعی نشده بهتر است مطرح نشود اما، ذکر یک مورد خیلی اساسی و هم خالی از لطف نیست. یکی از اهداف راه‌اندازی «پژوهشگاه شهید بهشتی»، اجرای پروژه بوده است و گروه برق و کامپیوتر هم به عنوان یکی از زیرگروه‌های پژوهشگاه این را به عنوان یکی از برنامه‌های خود در نظر دارد. به هر حال امیدواریم در آینده با رفع مشکلات موجود در این راه امکان اجرای پروژه‌ها نیز فراهم شود. چرا که تا در پژوهشگاه پروژه اجرا نشود پژوهشگاه حسابی نمی‌شود.

طیف مخاطبین شما چه کسانی هستند و چگونه می‌توانند با گروه ارتباط برقرار کنند؟

صدیق: همه کسانی که دانشجوی برق و کامپیوتر هستند یا نیستند ولی برق و کامپیوتر را دوست دارند مخاطب این برنامه هستند البته طبعاً کار یک کار دانشجویی است، اما خلاصه هر کسی تشریف بیاورد قدمش روی چشم.

فولادگر: به بیان دوستان کامپیوتری ما، گروه یک سیستم عامل است که هر کس می‌تواند برنامه خود را تحت آن بنویسد و البته برنامه‌های کاربردی خوبی هم تحت آن وجود دارد مثل نشست‌ها، سخنرانی‌های کوچک و ضمیمه مجله که می‌توان از آنها استفاده کرد. خلاصه اینکه این گروه متعلق به همه بچه‌های سمپاد می‌باشد و در واقع مثل همه کارهای دیگر سمپاد به حضور و کمک آنها زنده است. اما برای شروع می‌توان با حضور در سخنرانی‌ها یا سخنرانی‌های کوچک شروع کرد که پنج‌شنبه‌ها برگزار می‌شود و زمانبندی آن طی اطلاعیه‌هایی در دانشگاه‌های تهران و نیز ضمیمه برق و کامپیوتر سمپاد اعلام می‌شود.

صدیق: همچنین دوستان شهرستانی (و البته تهرانی) می‌توانند از طریق نامه نیز با ما تماس بگیرند و با هم صحبت کنیم و با نظراتشان گروه را راهنمایی کنند، آدرس هم که صندوق پستی مجله استعداد‌های درخشان است و فقط پشت پاکت ذکر کنند «گروه برق و کامپیوتر سمپاد».

آیا مشابه این حرکت در قالب انجمن‌های علمی و گروه‌های آموزشی در دبیرستانها قابل پی‌گیری و

اجراست؟

فولادگر: قابل اجراست ولی با حضور فارغ‌التحصیلان.

مشابه آنچه در کارسوقهای ریاضیات اصفهان انجام می‌پذیرد؟

فولادگر: هر چند همکاری محدودی با مدارس سمپاد داشته‌ام ولی نمونه خیلی خوبی را مثال زدید، با رعایت این نکته مهم که دانشجویان باید به خودشان بطور اساسی از لحاظ علمی برسند! و این خیلی مهم است.

بچه‌های سمپاد به زمینه‌های مهندسی در دوره دبیرستان علاقه نشان می‌دهند، آیا بجز زمینه‌های

علوم پایه پرداختن به رشته‌های مهندسی در دبیرستان کار درستی است؟

صدیق: واقعیت این است مقوله برق مطلبی دانشگاهی است. اما تجربه نشان داده است که خیلی از مطالب برق، الکترونیک و مخبرات قابل مطرح شدن بصورت خوبی در دبیرستان است. محسنات عمده آن در داشتن مهندسی است که «علم مطبوع» خواهند داشت، عیب قضیه هم مسائلی مانند کنکور و ... است، باکم شدن ظرفیت‌های دانشگاهی ورود به رشته‌های برق کمی سخت شده و حیف است کسی در دبیرستان کلی برق بخواند ولی موفق به راهیابی به این رشته نشود.

فولادگر: در دبیرستانها نباید تخصصی به مهندسیها نگاه کرد. عناوینی مثل برق، مکانیک و

... کمتر باید مطرح گردد. دنبال راهکارهای دیگری باید گشت. مثلاً تقویت انگیزه‌های تحقیقاتی و کاری.

صدیق: ولی بدون موضوع، سخت و غیر عملی است. راهکار بدون هدف به نتیجه

نمی‌رسد.

فولادگر: تجربه دانش‌آموزی در هر موضوعی برای رشته‌ای که پذیرفته خواهد شد مفید

است. مهم در آمیختن و ممارست و تجربه کردن علوم است که برای دانش‌آموز نتیجه‌بخش است.

صدیق: کارهای دبیرستانی که به دوران دانشجویی هم می‌رسد و ادامه می‌یابد واقعاً

می‌گیرد! مثالی بزنم، تقریباً تنها مطلب دسترس دانشگاهی در دوره دبیرستان آموزش کامپیوتر است. آن کسی که در دبیرستان کامپیوتر می‌داند در دانشگاه تأثیر فوق‌العاده آنرا خواهد دید.

فولادگر: کامپیوتر به خاطر فراگیری‌اش بسیار مؤثر است و سایر رشته‌های مهندسی این

خاصیت را ندارند.

صدیق: خطر در اینجاست که همه فقط سراغ یک رشته در دبیرستان بروند و با آن مانوس شوند، بچه‌ها باید زمینه‌های مختلف را تجربه کنند همه را به موازات هم ولی تجربه اینکار از دبیرستان شروع شود.

فولادگر: اگر من بگویم تجربه ریاضی خواندنم برایم مانده ولی از ریاضیاتی که خواندم در دوره دانشگاه بهره‌ای نبردم، واقعیت است. به نظرم موضوعات علمی در جهش از دبیرستان به دانشگاه بشدت تغییر می‌یابد و پیوستگی موضوعی نداریم.

بحث مفیدی بود، نظر «حوزه فوق برنامه» هم آشنائی با زمینه‌های مختلف مهندسی در دبیرستان است، این آشنائی انصافاً مهندسی بسیار علاقمند در زمینه کاری پرورش می‌دهد، سؤالی خاص از آقای فولادگر دارم، از ما در مورد المپیاد بسیار می‌پرسند کمی راهنمایی معقول بفرمائید.

فولادگر: جا دارد اول صحبت یک تشکر گرم و خالصانه از طرف خودم و همگی بچه‌های المپیاد از مقام معظم رهبری و در حله بعد از آقای دکتر اژه‌ای بواسطه عنایت خاص معظم‌له و پیگیری و دقت نظر راهگشای آقای دکتر تقدیم نمایم. البته چند سالی است از المپیاد دور هستم ولی توصیه مهم من اشاره به این موضوع است که بچه‌ها! مدیران! علاوه بر کار کردن برای المپیاد اهداف واقعی المپیادها یادتان باشد. زنده کردن روح علمی در دبیرستانها نباید با یکدسته دیگر کلاسهای کنکور برای ورود به المپیاد جایگزین شود.

آقای صدیق، سؤال خاصی برای بچه‌های دبیرستانی دارم، چه طرحهایی مناسب بیشتری برای ارائه به «جشنواره خوارزمی» دارد؟ با توجه به مجموعه طرحهای سخت افزاری و نرم افزاری بچه‌های سمپاد. صدیق: بدیهی است، طرحهای مناسب‌تر قابلیت ارائه بهتری دارند! بچه‌ها به مهمترین مزیت «جشنواره خوارزمی» حتی نسبت به المپیاد - هر چند موقعیت جشنواره نازلتر از المپیادها است - یعنی به نقش بیشتر خلاقیت نسبت به محفوظات توجه کنند. علیرغم بی‌مهری موضعی برخی داورهای جشنواره نسبت به پروژه‌های خلاق در مجموعه فضا برای ارائه طرحهای خلاق در جشنواره بسیار فراهم است. خاصیت «خلاق بودن» ویژگی پروژه‌های سمپاد است که حفظ آن نسل به نسل واجب و ضروری است.

بیش از چهار هزار دانش آموز سمپاد امسال درگیر انتخاب رشته هستند، انتخاب رشته بر چه اساسی باید صورت پذیرد و زمان تصمیم‌گیری در مورد آن کی می‌باشد؟

صدیق: اولین توصیه معمولی که به همه می شود علاقه است که در واقع چیز بی ربطی است. علاقه، یک امر ذاتی نیست بلکه با ممارست و دمخور بودن؛ قابل زیاد و کم شدن، بوجود آمدن و از بین رفتن است، حیف است بچه‌ها خام این حرفها شوند. در تاریخ مرکز علامه حلی تهران - که شاید پرافتخارترین مدرسه ایران اسلامی باشد - چه در بین هم دوره‌ای‌ها و چه شاگردهایم، خوب بودن یک دبیر و یا رفتن او باعث کم و زیاد شدن علاقه بچه‌ها می شد! لذا این جمله که بروید دنبال علاقه اول مان، کمی بی ربط است. خلاصه شاید استعداد شما ذاتی باشد ولی ربطی به علاقه ندارد. علاقه ذاتی نسبت و در اثر برخورد بوجود می آید. برای برخی بچه‌ها هم دید مقطعی به نیازهای کشور و بازارهای کاری مطرح در هنگام انتخاب رشته مشکل زاست. باید دانست بسیاری از این هیجانانگیز، مقطعی و زودگذر است. نیاز کشور باید توسط استعدادهای ما برطرف شود ولی شاید نیازمندترین جا پرفائده‌ترین جا برای عرضه استعداد ما نباشد. از طرفی رونق چند روزه برخی رشته‌ها قابل تعمیم به یکدوره طولانی نیست بچه‌ها بی خود غفلت نکنند!

در مورد شناخت رشته‌های دانشگاهی هم یک اهمال کلی وجود دارد. دانش آموزان سمپاد از همان سالهای اولیه دبیرستان بقول معروف رشته‌های مختلف را نوک بزیند! و از هر چیزی سر در آورید.

خلاصه کلام، فریب علاقه اولیه و کاذب را نخورید، به استعدادهای خود خوب نگاه کنید حسابی رشته‌ها را نوک بزیند و برای رشته بالاتر دانشگاهی خود را به هلاکت نیندازید. زمان مناسب شناخت رشته‌ها مثل مخروط است. قاعده مخروط در سالهای اولیه دبیرستان و رأس آن در پیش دانشگاهی است.

فولادگر: چه صحبت‌های خوبی، من احتمالاً باید برگردم گذشته و براساس صحبت‌های آقای صدیق دوباره انتخاب رشته کنم!!

چند معیار دیگر را هم برای بچه‌ها مفید می دانم که اضافه می کنم؛ در بهترین رشته‌ها هم بعضی دانشگاهها قابل تحمل نیستند. چه دوری محیط و شرائط زندگی در شهرستان یا تهران، چه محیط و کیفیت دانشگاه. معیار بعدی سطح قرار گرفتن دانشجو است. با یک کوشش فوق العاده در سال آخر و راهیابی به رشته‌ای خاص و بعد هم عدم ادامه آن تلاش و کوشش و تبدیل شدن به یک دانشجوی متوسط و حتی ضعیف بسیار نامطلوب است. انتخاب رشته باید

براساس متوسط دوران دبیرستان برای هر فرد صورت پذیرد نه حالت فوق تلاش سال آخر. به نظرم در نظر گرفتن همه این مسائل نتیجه مطلوبی را به بار خواهد آورد. و کلام آخر، پس از تشکر و قدردانی از حضور در این مصاحبه؛

صدیق: خوب از این حرفها کمتر بلدیم، نکته‌ای است هر چند مرتبط با حرفهای بالا نیست ولی خودم بسیار آنرا حس کرده‌ام، یا کاری را شروع نکنید یا کامل و خوب انجامش دهید. باید این فرهنگ ما شود. عادت کار نصفه را رها کنیم.

فولادگر: در دنیا کنار استعداد نه، بلکه بسیار بالاتر از آن تلاش و کوشش و پشتکار معنی می‌دهد. این مطلب حالی همه ما سمپادیها بشود.

صدیق: حرف درستی است، اینرا بنویسید تا همگان بدانند، در دوره اول ورودیهای استعدادهای درخشان از «دکتر علی رجائی» مستعدتر خیلی‌ها بودند، خیلی‌ها بودند، ولی